

نامه
مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۶۱
یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۵۹هـ. ق. ۱۵ دیال

وحدت خلق در دفاع از میهن انقلابی

باید به وحدت متشکل همه نیروهای مدافع انقلاب ارتقاء یابد

سنگر واحد نبرد توده‌ها برای پیروزی ریشاندن انقلاب ایران علیه مزدور جبار امپریالیسم امریکه، محمد زسای ملعون، جای خود را به سنگر واحد دیگری در دفاع از میهن انقلابی داده است.

در حرکت جوشان و خروشان که برای سرنگونی قلمی نظام وابسته فئودالیسم و دیکتاتوری پهلوی پدید آمده نیروهای مردمی نه در پی توافق بر روی برنامه مشترک بلکه به تمییز از یک توافق اعلام نشده آرزوی خلق، دست در

دست هم نهاده، صفا را درهم نشردند و چون بیکر واحد سینه خود را آماج سلاحهای آتشزای ارتش محمدرضا شاه قرار دادند، زند و خوردند، کشتند و کشته شدند و سرانجام پیروزی بقیه در صفا ۸

«میزان»
نامیزان
این صدای
لیبرالیسم ناب
ایرانی است

★ انقلاب همه چیز را از بین و بن تغییر داده، اما لیبرالیسم میخوانند فقط یک چیز را! تغییر دهند: خود انقلابی را...
★ و اهمیت حیاتی مبارزه با لیبرالیسم و افشای نقش روزنامه‌سینان و میزبان‌ها در همین نکته خطیر است...
صفحات ۲ و ۳

بمناسبت شهادت رفقای قهرمان توده‌ای در سنگر نبرد برای دفاع از میهن انقلابی

اتحادی که با خون پیوند مییابد

سکوت و رکود، گورستان واقعیت‌هاست، و حرکت انقلاب، آن صور اسرائیلی است که حقیقت‌های مدفون را احیا می‌سازد و محترمی‌ها میکند. انقلاب شکوهمند ایران، چون طوفانی پنهان کن، در مبین زجر کشیده ما همچنان در حال غریزند است، لایه‌های متحجر اباغیل چند هزار و چند صد ساله را بر می‌کند، انفس و اقوام را در گورن می‌سازد، ردای قرون و افسار را از ارواح زنده باید سپاسگزار این انقلاب بود که، خلق آسیر و تحقیر گشته ما در سایه آن می‌رود تا شخصیت و حیثیت انسانی خود را بازیابد.

فقط در یک چنین محیط انقلابی بود که بسیاری از خدایگان آثار یافته، و یکی از آنها واقعیت حزب توده ایران بود، سالیهای سالی تبلیغات و آموزش رژیم مستبدانه و متفرد پهلوی، حزب توده ایران را به متابسه دشمن اسلام و دشمن دین معرفی میکرد و این افسون طاقت، بسیاری و بسیاری از افراد صدیق و مبارز مسلمان را نیز مسحور و گمراه ساخته بود. ولی از همان لحظه‌ای که طوفان انقلاب پسرکت در آمد، مردم عادی کوچک و بازار و مسجد و مدرسه، هر روز در نهایت حیرت و تعجب بیشتر از دیروز متوجه شدند که سراسر تمام چه مخرقاتی را بخورد آنها داده‌اند و چه انکار و تضاد های غیرعادلهای را به آنها قبول داده‌اند، بچشم خود دیدند - و ناپاورانی حتی بچشم خود باور نکردند و مترددانی حتی اینها دیرنگه و دهان کتیکه، پنداشتند که حزب توده ایران - حزب که بشناخته دشمن دین، معرفی شده بود - یا صداقت و استواری و شجاری در سنگر دفاع از انقلاب ایستاده است که یک پارسی پاکسرشت مسلمان زمام رهبری آنرا بدست دارد و اسلام انقلابی کاربایه و ایدئولوژی آنرا تشکیل میدهد. بچشم خود دیدند که در حالیکه مسلمان نمایان دشمنی مسلمان، تیشه بر ریشه جمهوری اسلامی ایران می‌زنند، حزب توده

نخست وزیر در سازمان ملل متحد:

ما از پشت این تریبون به مردم جهان اعلام می‌کنیم که تجاوز نظامی عراق را بخشی از توطئه‌های پیاپی استکبار جهانی، بسر کردگی آمریکاعلیه انقلابمان میدانیم

بیش از یکبار دانش آموز مردم غیر نظامی، کشته و زخمی شدند، ارتش بعث عراق که از انسانیت پوشی نبرده است، حتی اگر چند لحظه‌ای به یکی از مناطق مسکونی کشورمان دست یابد چه چگونگی چنانچه فروگذار نمی‌کند، منازل را غارت و حتی در بعضی نقاط بشرمانه به زنان ما نیز تجاوز کرده‌اند، افراد غیر نظامی را که نشان از ۱۸ سال بالاتر است به عنوان اسرای جنگی با خود می‌برند و آنان را به همراه دیگر اسیران جنگی شکنجه داده و بقتل میرسانند.

نخست‌وزیر افزود: «من صریحاً اعلام میکنم که ملت ما مصمم است حتی با تکیه کردن یک جنگ طولانی مردمی نه تنها متجاوزین را سرسازد و بنشاند، بلکه با این عمل خود ملت برآورد و مسلمان عراق را نیز به مایهت رژیم فئودالیسم و وابسته صدام، هر چه بیشتر آتش سازد و نیز جوانان دندان شکن به امپریالیسم امریکا دهد که مستقیم و غیره مستقیم به دولت بعث عراق کمک می‌نماید.

آقای محمدمعلی رجایی نخست‌وزیر به تاریخ ۲۶ مه‌ماه ۵۹ در جلسه شورای امنیت راجع به جنگ ایران و عراق شرکت کرد. جنگ در سخنرانی مفصل خود از جمله گفت: «ما در شرایطی پیچیده ایستاده‌ایم که کشورمان در میان آتش جنگ برافروخته از دولت بعثت نامردمی عراق می‌سوزد و نیز در شرایطی هستیم که واقعه زلزله الجزایر بنوبه خود مردم و امام باران سخت اندوگین ساخته و بسیار متأسفیم که بعثت شرایط جنگ آزارناکه باید (نمی‌توانیم) در جهت برآوردن نیازهای مردم برآورد و مسلمان آنچه اقدام نماییم، من دلسوزم مستقیماً از جبهه جنگ آزارناکه شدم. کشته‌ها و مجروحینی را که دیدن آنها دل‌هره انسانی را به‌درد می‌آورد، بچشم خود نظاره کردم، موشکهای ۹ شری زمین به زمین که به شهر ذوقول پرتاب شده قسمت اعظم شهر را بر سر مردم شریف و قهرمان آن‌دیار خراب کرده‌است در ذوقول متجاوز از

با تشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها، خرابکاریهای دشمن را خنثی کنیم

هیئت واگذاری زمین و روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان

صفحه ۴
صفحه ۵

پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا بمناسبت درگذشت رفیق لویجی لونگو

رفقای گرامی!
از خبر درنگ در گذشت رفیق لویجی لونگو، صدر حزب کمونیست ایتالیا، آگاه و سخت غمگین شدیم. درگذشت رفیق لونگو، نه تنها ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای حزب کمونیست ایتالیا بشمار میرود بلکه جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری را از یکی از برجسته‌ترین مبارزان و رهبران خود محروم میسازد.

رفیق لونگو همواره در قلوب کمونیستهای ایران جای ویژه داشته است. وی پیوسته یکی از پیگیرترین مدافعان مبارزه ضد امپریالیسم و دمکراتیک خلق ما بوده و بارها با شوری بی‌هتا در کارزار هیستیک بین‌المللی و پشتیبانی نیروهای مترقی و دمکراتیک ایتالیا از یکبار دشوار ضد استبدادی و ضد

کمیته مرکزی حزب توده ایران، دبیر اول: نورالدین کاتوری
۱۳۵۹، ۷، ۳۶

بیش از یکبار دانش آموز مردم غیر نظامی، کشته و زخمی شدند، ارتش بعث عراق که از انسانیت پوشی نبرده است، حتی اگر چند لحظه‌ای به یکی از مناطق مسکونی کشورمان دست یابد چه چگونگی چنانچه فروگذار نمی‌کند، منازل را غارت و حتی در بعضی نقاط بشرمانه به زنان ما نیز تجاوز کرده‌اند، افراد غیر نظامی را که نشان از ۱۸ سال بالاتر است به عنوان اسرای جنگی با خود می‌برند و آنان را به همراه دیگر اسیران جنگی شکنجه داده و بقتل میرسانند.

نخست‌وزیر افزود: «من صریحاً اعلام میکنم که ملت ما مصمم است حتی با تکیه کردن یک جنگ طولانی مردمی نه تنها متجاوزین را سرسازد و بنشاند، بلکه با این عمل خود ملت برآورد و مسلمان عراق را نیز به مایهت رژیم فئودالیسم و وابسته صدام، هر چه بیشتر آتش سازد و نیز جوانان دندان شکن به امپریالیسم امریکا دهد که مستقیم و غیره مستقیم به دولت بعث عراق کمک می‌نماید.

ما از پشت این تریبون به مردم جهان اعلام میکنیم که تجاوز نظامی عراق را بخشی از توطئه‌های پیاپی استکبار جهانی، بسر کردگی آمریکاعلیه انقلابمان میدانیم

تجاوز عراق را تجاوز ظلم و کفر جهانی علیه انقلاب اسلامی خود دانسته و دست شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک را در پس آن می‌بینیم.

تحلیلی از گزارش نهایی «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران»

صفحات ۳ و ۶

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تحلیلی از گزارش نهائی

«سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران»

در مردادماه ۱۳۵۹، گزارش نهایی «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران» توسط نخست‌وزیری منتشر گردید. این گزارش به حکایت پیش‌کنکار آن، در ادامه گزارش مقدماتی (منتشر در مردادماه ۱۳۵۸) در شورای عالی «طرح‌های انقلاب» به ریاست آقای دکتر بدایله، سامان و زیرساخت وقت، به طول می‌انجامد. ۲۲ نفر از کارشناسان رشته‌های مختلف تنظیم گردیده‌اند و ۶۴ نفر از آنان در تهیه گزارش نهایی مشارکت داشته‌اند. در پیش‌کنکار گزارش تأکید شده است که انجام این مطالعه منتهی به پیشنهاد آقای مهندس مهدی بازرگان، اولین نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی آغاز شده و پس از استعفاي دولت، بوقت نیز مطالعات زیر نظر ایشان و شورای انقلاب ادامه یافته است.

هرچند این گزارش در «استان» تشکیل دولت جدید منتشر شد و به همین جهت مورد استقبال و توجه جدی قرار نگرفت، ولی از آنجا که سیاست‌های ویرسی درباره آن ضرورت نداشته است، ولی از آنجا که سیاست‌های پیشنهادی در گزارش دقیقاً تجلی سیاست «گام‌به‌گام» و «مسرفر تأیید» بود و برای لیبرال در جهت متوقف کردن سیر انقلاب و ادامه نظام سرمایه‌داری حفظ و سیاست‌های پیشنهادی است، و چون طرفداران این سیاست هنوز هم متعاضد در آرکان‌های دولت و سایر ارگان‌ها با وضع حکم و موثری دارند، و بالاخره از آنجا که بسیاری از تهیه‌کنندگان گزارش هنوز در مقامات دولتی به هم عموماً در سطوح سازمانی برتری از اختیار دارند، و بنابراین آرزوی بلند نیز می‌توانند نظرات و تأییدات سازمانی خود را به نحو در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت القاء کنند. لذا ترجیح می‌دهیم، هرچند به‌طور مختصر، تجزیه و تحلیلی از این گزارش به عمل آوریم، با داری می‌شود که، چون گزارش بسیار مفصل است و در برش می‌آید، به سبب این که «برآورد» تجاوز کرده و به‌طور اجرائی و تفصیلی در سطح «پروگرام» یا «پروژه» پرداخته است، لذا فقط به بررسی کلی در باره سیاست‌های پیشنهادی می‌پردازیم.

۱- تثبیت نظام اقتصادی دوران رژیم طاغوت

گزارش حاکم بر گزارش، که به شک تحت‌تأثیر لیبرال‌ها تنظیم شده است و نخست‌وزیری بسیاری از مستلزمات دولت وقت نامیده‌اند و چون بود و ایجاد شرایط برای تثبیت نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را تشکیل می‌دهد.

نظام با سیاست

گزارش تأکید می‌کند که محمل اساسی و متکی قانونی آن «اساسنامه شوراهای طرح‌های انقلاب»، مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۸ هجرت دولت بوده است. ولی با ملاحظه بر آن اساسنامه و آنچه به عنوان «هدف» شورای عالی طرح‌های انقلاب» در گزارش بر آن تأکید شده، علاوه بر آنکه، تهیه کنندگان گزارش مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه خود را «نابیندگی» و «تبعیض» بر مبنای صنفی، مذهبی، قومی و طبقاتی می‌دانند. «تبعیض» و «تبعیض» را «تبعیض» می‌دانند. «تبعیض» و «تبعیض» را «تبعیض» می‌دانند. «تبعیض» و «تبعیض» را «تبعیض» می‌دانند.

سیاست چنین وظیفه‌های طبیعی و ضروری است، زیرا برای تدوین هرگونه اساسنامه یا تهیه برنامه باید به‌طور نظامی و سیستم «جامه» آینده دشمنی خود را تا معلوم گردد که با اجرای این سیاست‌ها یا برنامه‌ها، به سوی استقرار نظامی حرکت می‌کنیم. بدون این زمینه ابتدا باید نظام جامعه آینده و ساختارها و پیوندهای ارگانیک آن‌ها با یکدیگر و بالاخره عمل کرد (و نتایج) سیستم مشخص شده، و آن‌گاه سیاست‌ها و برنامه‌ها و پایه‌های عمارت منحصر در اساسنامه «راه‌های نوبل بیان» تدوین می‌گردند. اما تهیه کنندگان گزارش این وظیفه ابتدایی و اصلی خود را نادیده گرفته و مستقیماً سیاست‌ها را تهیه کرده‌اند، بدون آن که مشخص کنند با اجرای این سیاست‌ها چه نظامی در جامعه استقرار خواهد یافت.

با این‌دقت در محتوای گزارش می‌توان به این نتیجه رسید که، این نفع ناشی از فطرت یا مصالحه خودی، بلکه عکس، گروهی از تهیه‌کنندگان گزارش عمداً از تمرکز نظام مورد نظر خویش خودداری کرده‌اند. زیرا آنان می‌دانستند که در جامعه با نظام سرمایه‌داری وابسته استقرار یافته و سیر انقلاب این مسئله اساسی مطرح شده است که باید با نظام سرمایه‌داری و در نتیجه وابستگی ناشی از آن ادامه داد، و با این‌دقت به نظر رسید که سرمایه‌داری، «موجب تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی و فرهنگی افزایش دهد». تهیه‌کنندگان گزارش، همان‌طور که روش خود را شرح داده‌اند، در پی استقرار این نظام سرمایه‌داری بودند، ولی از آنجا که این سیاست‌ها را «تبعیض» می‌دانند، و به همین جهت حاضر به تحمل این نظام و عواقب و عوارض آن نیستند، لذا ترجیح داده‌اند که از صریح نظام آینده خودداری کنند، و ضمن بازی با الفاظ و دادن چند شعار «انقلابی»، ملاحظه نظام سرمایه‌داری و وابستگی را پیشنهاد می‌کنند.

قانون اساسی و سیاست‌ها

گزارش نهایی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تکمیل و منتشر گردیده است. این تاریخ جدید هفت ماه پس از تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان و شش‌ماه بعد از تصویب این قانون توسط امام خمینی و تصویب آن در فروردین ماه ۱۳۵۹ است. بدین ترتیب تهیه کنندگان گزارش فرصت و ارگان کافی برای مطالعه قانون اساسی و تطبیق سیاست‌های پیشنهادی در جنبه‌های مختلف اصل این قانون در اختیار داشته‌اند. ولی در وقت در مقام گزارش و شرح می‌کند که در سراسر فصول و صفحات آن، حتی یک بار از قانون اساسی و با یکی از اصول آن نام برده نشده، و به عکس، در بسیاری از موارد سیاست‌های پیشنهادی دقیقاً خلاف اصول این قانون است. با داری می‌شود که چون هر چند اصول این قانون قاضی و ناراضی‌های جدی است، و این تقیسه از نظر رهبر انقلاب نیز مخفی نمانده و لذا تهیه متمم قانون اساسی در دستور دادمانند (۲)، ولی در همان‌جا باید تأکید کرد که اصول قانون اساسی در بسیاری از جهات دارای جنبه‌ها و نکات مترقی است و اجرای

(۱) به منظور رعایت اختصار در همه موارد فقط شماره صفحه گزارش ذکر می‌گردد.

(۲) این تذکره باید داد که از بین همه سازمان‌ها و گروه‌ها و نهادهای مختلف، «امم از آن‌ها که قانون اساسی را تأیید کردند و با آن‌ها بی‌اندیشه‌اند، فقط خود گروه «ایران برپا» بود، چون در آن داشته و یکایک اصول مصوب را مورد بررسی و انتقاد سازنده قرار داده است.

صحیح آن می‌تواند بسیاری از انتظارات مردم انقلابی ما را تحقق بخشد. این جنبه‌ها به ویژه در فصل اقتصاد و بودجه و مالی حقوق دموکراتیک مردم قابل توجه است. اما تهیه کنندگان گزارش به حق می‌توانند این موارد اصول را نادیده گرفته‌اند، بلکه سیاست‌های خود را، خصوصاً در زمینه‌های اقتصادی، در جهت نفع این اصول پیشنهاد کرده‌اند.

نواستعمار و وابستگی اقتصادی

می‌دانیم که عمده‌ترین مانع در راه توسعه و تکامل کشور ما سیاست‌های نو استعماری کشورها و وابستگی و انحمارات بین‌المللی در زمینه «تعمیر و تکمیل» و «توسعه» اقتصادی و سیاسی و نظامی میهن ما به این کشورها است. و در آینده نیز جز از طریق مبارزه جدی و فاعل با امپریالیسم‌ها به سرگردانی آمریکا و واقع وابستگی و توسعه و تکامل کشور ممکن نخواهد بود. سلطه امپریالیسم و بهانه‌های محرب آن‌چنان مشخص و قابل لمس است که نتواند برای بسیاری مردم میهن ما هدف اساسی انقلاب را در این مرحله به‌معنای مشخصی نادیده بگیرد. با این‌همه، جالب توجه است که در سراسر این گزارش ۲۴ صفحه‌ای، حتی یک بار از استعمار و نو استعمار، از امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی به امپریالیسم سخن نرفته‌اند. حتی در آنجا که تهیه‌کنندگان گزارش ناچار شده‌اند از «وابستگی اقتصادی» نام ببرند، صرفاً و مطلقاً از «وابستگی اقتصادی» به دیگر کشورهای جهان (صفحه ۷۷) یاد کرده و راهی از ایستادن و وابستگی، یعنی وابستگی به دیگر کشورهای جهان، را توصیه کرده‌اند. از راهی از وابستگی به دیگر کشورهای جهان، «علا» به معنای قطع رابطه با تمام کشورهای دیگر جهان، یعنی عملی ناممکن است، هدف گزارش از ذکر مطلق «وابستگی» به دیگر کشورهای جهان، در واقع منحرف کردن ذهن‌ها و آرزوی سرمایه‌داری و به خصوص امپریالیسم آمریکا، در جهت تمام بدبختی‌ها و مکران مردم متدبیده میهن ما است. درجای دیگر نیز که از عدم وابستگی... به قدرت‌ها (صفحه ۲۶) به‌طور مطلق سخن می‌رود، باز از همین هدف بهره‌ی می‌شود.

اسلام و سیاست‌های پیشنهادی

در طول تاریخ، اسلام و مذهب تشیع همواره به‌صورت اساسی در جوامع اسلامی تجلی و معرفی شده است. از یک طرف، گروهی از روحانیان، نایبان یا محقق امام خمینی «عناط السلطین» کویده‌اند که اصول و مقررات اسلامی را در جهت تحکیم حکومت‌های جابر و توجیه ظلم و استعمار تأویل کنند، و از طرف دیگر امام همواره پرچم نهضت‌های خلقی علیه سلاطین و مستکبران بوده است. خصوصاً در یک قرن اخیر بسیاری از علما و روحانیان و ستمگران و به‌ویژه تشیع، برخلاف گروه‌های دیگر، کویده‌اند و تأیید کنند که احکام اسلام ناظر بر حمایت از مستضعفین و علیه ستم‌خوار و استعمار بوده است. زنده‌یاد دکتر شریعتی این بدو نوع تلقی را «تشیع صوفی و تشیع علوی» نامیده است، و از نظر او، اخیراً رایج شده است، این بدو نوع اسلام، تحت عناوین «اسلام گارتوی» و «اسلام خمینی» از یکدیگر تفکیک کرده‌اند.

تهیه‌کنندگان گزارش هر چند در مقدمه بعضی اصول، آیات قرآنی یا احادیث و روایات اسلامی را به‌طور کلی و غیر انتقادی و بی‌انتقادانه، ولی سرانجام، علی‌رغم همه این‌ها، در جهت تثبیت نظام سرمایه‌داری و نو استعمار، کویده‌اند که در آن‌ها، در مقابل «فلسفه» و «مدل» حکم می‌کند. نادیده گرفته‌اند که فراموش کرده‌اند که امام خمینی عموماً آنچه «سوره قصص» را شعار اساسی انقلاب قرار داده، و به استناد آن تبدیل مستضعفین به «پیشوایان» و «راویان» نیروی زمین را هدف انقلاب برمی‌دارد. در گزارش، به جای همه این‌ها، به قسمتی از آیات «سوره نساء» تأکید می‌گردد و نتیجه گرفته می‌شود که:

«آنچه از فرمان و موانع خداوند گرفته‌اند، منطبق و ملک آنان است» (صفحه ۱۹۷)

حال آن‌که می‌دانیم، بسیاری از احکام اسلام چنین اطلاقی را نپذیرفته است. به علاوه به موجب قاعده «الظهور» و اصول و احکام دیگر، می‌تواند و باید مالکیت را به نفع جامعه محدود کرد.

نظام اقتصادی و مالکیت و بخش‌های بنیادی

گزارش درباره «سیاست‌های توسعه و تکامل»، بدون آنکه صراحتاً بیان شود، در عمل ادامه راه «توسعه سرمایه‌داری» را برای کشور ما پیشنهاد می‌کند. در این گزارش هر چند به بخش بنیادی اقتصادی و بخش بنیادی بخش مختلف و بخش دولتی تفکیک می‌گردد (جالب توجه این‌جاست که اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش دولتی و تعاونی و خصوصی را ذکر می‌کند، ولی گزارش، قانون اساسی را آشکاراً نادیده گرفته و این تقسیم‌بندی جدید به پیشنهاد می‌کند) ولی با دقت مشاهده می‌شود که اساساً اقتصاد پیشنهادی را بخش خصوصی یا در واقع سرمایه‌داران به صیغه «خواهند داشت» (هر چند گزارش کویده است که با مکرر بردن اصلاحات «آزاد» یا «مردمی» ظاهر قریه را درست کند).

در این گزارش، بخش خصوصی ظاهراً شامل واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی می‌شود (صفحه ۱۲) و در این بخش سرمایه‌داران و بازار و مالکیت سیستم حکومت می‌کند (صفحه ۲۵).

تهیه‌کنندگان گزارش آری‌ها تأکید می‌کنند که دولت نباید مداخله‌ای در فعالیت این بخش داشته باشد (صفحه ۳۲) مگر برای دفاع از این بخش در مقابل اذیت‌های دولتی (صفحه ۳۵).

بزرگترین دستکاری در سیاست‌های توسعه و تکامل، «توسعه» است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است.

واحدهای مستلزم سرمایه‌گذاری زیاد و با دوره فرام‌سازی طولانی و نظایر آن سرمایه‌گذاری نماید و بدین ترتیب محیطی فراهم کند. تا آن‌جا که، با بهره‌برداری از امکانات فراهم شده از طریق دولت، بتوانند واحدهای با سود بیشتر و سریع‌تر سرمایه‌گذاری کنند.

طراحان «سیاست توسعه و تکامل» ما نیز این خواست سرمایه‌داران را فراموش نکرده‌اند و دقیقاً همان ریشه‌هایی را به بخش دولتی اختصاص می‌دهند که بخش خصوصی، در کارش حتی امکان واگذاری بخش‌هایی از صنایع نفت به بخش خصوصی پیش‌بینی شده است.

به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی، کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سد‌ها و شبکه‌های بزرگ آب رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن و مانند این‌ها به سیم بخش دولتی است. به علاوه اصل ۴۵ تمام منابع طبیعی را انفال و در اختیار حکومت اسلامی می‌شناسد.

مقایسه این اصول با آنچه که در گزارش طرح شده است، نشان می‌دهد که، طراحان گزارش تا چه حد از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته‌اند.

جلب اعتماد بخش خصوصی

تنظیم کنندگان «سیاست‌های توسعه و تکامل» نگرانی خود را پنهان نداشتند، زیرا از لزوم جلب اعتماد بخش خصوصی را، که در واقع همان سرمایه‌داران وابسته هستند، یادآوری می‌کنند. آنان در این زمینه تا آنجا سخن رفته‌اند که، در مورد فرار سرمایه از کشور، «مهربانانه» می‌کنند که، چنانچه سیاست‌های مربوط به محیط اقتصادی روزی تدوین و اعلام می‌گردند، «بخش خصوصی از این ثروت در کشور می‌ماند». (صفحه ۱۹۱).

گویی گزارشی‌ها و هشدارهای داده‌اند که سرمایه‌های براری به‌طور عمده متعلق به درباریان، مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری و سرمایه‌داری وابسته بود، و این غارتگران که جان و مال خود را به خطر می‌دانند، ترجیح داده‌اند که مال خود را به خارج منتقل کنند و خود از کشور فرار کنند. لذا ادعای باقی‌ماندن «بخش خصوصی» از این ثروت در کشور، ادعای نا-درستی است. گمان‌هایی که شایه بود، به سبب از انقلاب نیز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته باقی‌مانده، که از وام‌ها و اعتبارات دولتی استفاده کرده بودند، و این مبالغه را، به انحصار گروه حاصل‌افز فروش کالاها ساخته‌اند و مواد اولیه موجود، به از تبدیل کردند و به خارج فرستادند.

جالب این است که گزارش تأکید می‌کند که صاحبان صنایع موجود هستند و رغبت و تمایل به فرار ندارند، بلکه در برخی موارد کارکنانی می‌شود. و از این جهت، به هم می‌زنند (صفحه ۸۲).

با این وصف آبی‌ها توان باور کردند که این صاحبان صنایع، که به‌فراوان عمارت کرده‌اند، در آینده در خدمت انقلاب خواهند بود، و به‌عقول تنظیم-کنندگان گزارش، به سود «معاول و مشروط» رضایت خواهند داد؟ تهیه‌کنندگان گزارش، با تفکیک مالکیت از مدیریت (صفحه ۸۵)، بر آنند که سرمایه‌داران خصوصی نمی‌توانند در واحدهای سرمایه‌داری کنند، ولی خود فعالیت در آن داشته باشند و فقط سود یادآور می‌شود.

در واقع در مورد تشدید وابستگی اقتصاد ما است. در حالی که برای رفع یا تعدیل وابستگی و کاهش وابستگی اساسی و صنایع تولید ماشین‌انسان و صنایع بزرگ تبدیلی در کشور به وجود آید، تا بتوانند، با استفاده از صنایع موجود، تولید کنند و احتیاجات صنایع کوچک را تهیه نمایند.

مسئله دهقانان و مالکیت در روستاها

تحقیقات علمی و بررسی‌های تاریخی روشن کرده است که یکی از شرایط استقرار و گسترش نظام سرمایه‌داری و ورشکستگی و مهاجرت روستاییان به شهرها تشکیل می‌دهد. استقرار کارکنان اساس سرمایه‌داری است. چون رشد تولید و گسترش سرمایه‌داری مستلزم نیروی کار جدید است. سرمایه‌داران دارای همواره به‌عنوان کارگر بکار می‌گیرند، شهرها نیاز پیدا می‌کنند، تا بتوانند در آن‌ها راننده بوقت یا دائم استخدام کنند. این روند در کشور ما خصوصاً پس از سال ۱۳۴۱، یعنی در جریان تحکیم نظام سرمایه‌داری وابسته و همراه با ایجاد امری تبدیل رزم گذشته و مهاجرت وسیع روستاییان قابل مشاهده است. ایجاد شرایط برای این مهاجرت، خود یکی از هدف‌های اصلی نظام گذشته بود. بدین ترتیب روستاییانی که در صورت فقر بزرگ مالکین بودند و با گسترش روابط سرمایه‌داری در روستاها، که اصلاحات بزرگی شرایط مناسب برای آن بوجود آورده بود، ورشکستی می‌شدند، با دیگر نمی‌توانستند در روستاها زندگی کنند و ناچار به شهرها مهاجرت می‌کردند. اما گزارش‌های این عموماً را نادیده گرفته و فقط «گویی با نبود اشتغال، خدمات و امکانات رفاهی در روستاها» (صفحه ۶۶) علت مهاجرت شناخته است!

این «قدم توسعه» نه تنها در زمینه مهاجرت، بلکه در بررسی علل پایه‌ها بودن روستاییان و کمبود تولیدات کشاورزی و بالاخره ارائه راه حل نیز مشاهده می‌گردد.

بزرگترین دستکاری در سیاست‌های توسعه و تکامل، «توسعه» است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است.

بزرگترین دستکاری در سیاست‌های توسعه و تکامل، «توسعه» است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است.

بزرگترین دستکاری در سیاست‌های توسعه و تکامل، «توسعه» است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است. «توسعه» به معنای استوارتر و گسترده‌تر است.

باتشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها خرابکاری‌های دشمن را خنثی کنیم

انقلاب و دستاوردهای آن از جانب امپریالیسم آمریکا تدارک می‌شود.
طبقه کارگر ایران، در همه عرصه‌ها اکنون بدفاع از زمین انقلابی برافشاست. او با وجود محرومیت مزمن خویش، از آن و دنیا رغبش می‌کاهد و به ابرو دفاع کتک مالی می‌کند. سهم تراز آن، طبقه کارگر از یک‌گانه ثروت خویش، جان و نسیمی که کارش سود می‌جوید و آن را به جیبه جنگ ارزانی می‌دارد.
این روزها صفات جراب‌پیدا را اعلام آمادگی کارگران کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی، کارکنان موسسه‌های گوناگون، شوراهای و سندیکاها، کارگری، بیکار، رهنه‌بسته دفاع از انقلاب و میهن و جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌اند. و آماده‌اند، تا همه تن سلاح بگیرند و چون ستاره‌ای بر ظلمت دشمن جنگ آفرین و نابکار فرود آید.
این همه به تنهایی ناپسند است، لیکن در مقام کارگران نکته‌آملی ناگفته خواهد ماند، اگر به وجه ویژه و خطری کارگران، یعنی پاسداری از تولید و تجهیزات، چرخ‌های کارخانه‌ها و مقابله با خدایان انقلاب گناح و - ای نژاد - روحیه خلافت، اینکار و روش‌آوری و... آثاره.

وزارت کار و امور اجتماعی، با انتشار اطلاعیه‌ای، بسزوم تشکیل گروه‌های آمادگی در کارخانه‌ها را تاکید کرده. در این اطلاعیه، این تصمیم بعلمت خطر بسیار آن واحد و تولیدی و صنعتی و بسط و تقابل با آتش‌سوزی و صدمات ناشی از آلودگی و آلودگی‌ها ذکر شده است. همچنین منظور گروه‌های نجات کارخانه‌ها، به شکل از ما مورین ایستنی کارگاه، به رشک کارگاه و کسانیکه در رفته کتک‌های اولیه دوره دیده‌اند، ما مورین آتش نشانی، کارگاه، نما بنده کارگران و دیگر افرادی که دوره نجات و آماده دیده‌اند، تشکیل می‌شود.
در اطلاعیه وزارت کار و امور اجتماعی آمده است: "کارگاه‌هایی که فاقد افراد آموزش دیده در رشته کتک‌های اولیه و آتش نشانی می‌باشند، می‌توانند افرادی را به مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار... معرفی نموده تا در مرکز مذکور آموزش لازم را ببینند."

تشکیل کمیته‌های آمادگی با گروه‌های آمادگی نجات، اقدامی است که در شرایط حساس کنونی ضرورت تمام دارد. دشمن چنانچه بکار و ترلائی مذبح‌خانه خود برای شکست ما، از جمله تا سبقت منتهی و غفلت و محله و در شده، آنها را بسیار آن می‌کند. دشمن با حمله به تا سبقتی از قبیل منابع فولاد، ذوب آهن، نیروگاه‌ها، کارخانه‌های ایران تا سبقت و مراکز تهیه نفت و خطوط انتقال و تلمیخ‌خانه‌ها و... تاکنون نشان داده است که این عملیات را بر ما می‌ریزی و در جهت نابودی اقتصاد کشور ما و فلج کردن مراکز تولیدی، در آینده نیز ادامه خواهد داد.

دشمن به پیروی از طرح تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا، انقلاب ما را هدف گرفته است و تا نبودی سبقت منتهی و تولیدی ما را از این نظرگاه دنبال می‌کند. امپریالیسم آمریکا، خواهان ایجاد جنسیتان در شرایطی است که در جامعه انقلابی ما سنگ بر روی سنگ نموده باشد. غیر از ما، موازیم بگسلد و مواج سبقت منتهی گوناگون، بیکی پس از دیگری، بیکار انقلاب را در هم گویند. تا توده‌های انقلابی در میانه خود منتهی کسب استقلال و برای نوای میهن، در مرام به بن بست کفایت شده. امپریالیسم آمریکا با این طرح و سبقت به محمل‌ها و وسایل لازمی می‌اندیشد که علاوه بر سبقت ما را نه تصفیت و نه نابود کند، سهل است، آن را بر - شتاب و کمال آید.

شیطان بزرگ بلطایف الحبل می‌گوشد تا مانند ارک ویرانی کشور ما، روزی را نزدیک کند که ما دست دوستی خویش را بسوی او دراز کنیم و با چمتو دنیا زود آمدن به ما منتی (!) از او بخواهیم تا با کمک‌های انسانی، فتنه مالی خویش، ما را از دروازه افتادن به سراسیمه تا نبودی کامل حفظ کند (!)

بدین است که روباها نکار امپریالیسم به هر وسیله ممکن و سبقت می‌گوشد، تا چنین روزی فرا رسد. ولی آن‌ها در سبقتی شیطان خویش اراده، مینابیندند. ایرانی، بی‌وزیر، ضوابط میلیونی کارگران انقلابی را تا دیده می‌گیرند و همین ما مل شکست تا سبقتی توطئه‌ها است. کارگران ایرانی در تمام نقاط عطف سرنوشت - ساز تاریخ ایران سیم شایسته خویش را به تاریخ و به میهن و به خلق داده‌اند. آنان با بارها بیرون متجاوزین را با کف تا لیده‌اند، شفقگران قهرمان ایران، کس - بزرگترین هریه را بر شرکت امپریالیستی ما من نسبت انگلیس، در دوران جنسیت ملی شدن صنعت نفت و یاد کردند. این بار هم جرم کرده، اندک دشمن امپریالیسم همه زحمت کتان جهان امپریالیسم، بسزورگدی امپریالیسم آمریکا را بر آری همیشه از زمین خود خارج کنند.

طبقه کارگر ایران، جنگ تجاوری جاری را، هر چند که این بار دست آمریکا در آستین صدام است، مطلقه‌ای از سلسله توطئه‌های او بر می‌کند که بسزورگدی و منظور نبودی

طبقه کارگر، به لحاظ موقعیت‌های خود، قدرت جمع آمدن، متحد شدن و سازمان دادن دارد. طبقه کارگر پیش

- هم اکنون کارخانه‌ها به ستاد بسیج انقلابی تبدیل شده است
- با ضدا انقلاب باید قاطعانه مبارزه کرد
- شهادت شش تن از کارگران ایران - ناسیونال، شهوند و هلیکوپتر سازی و خطر مرموم حمله دشمن، تاکیدی است بر ضرورت مطلق آموزشهای نظامی کارگران

از همه اقشار جامعه زیرستم سرمایه امپریالیستی است و تا گزیر برای گشتن زنجیر سبقتی آمارت بسا تدارک سلاح اتحادیه مبارزه‌ای بی‌مان دست می‌زنند و با این مبارزه جامعه را سرانجام از اسارت نا بر آری - ما و ستاد ها خواهد آمد. اگر سبقتی که کارخانه‌ها هم اکنون به ستادهای بسیج انقلابی برای حفظ امنیت تولید و با لایردن آن، برای مقابله با حملات دشمن و نیز برای کسب آمادگی مبارزه در سنگر و در جبهه - نجات و آمادگی و میهن و مجروحین حملات دشمن، تبدیل شده است جای تکفیتی نیست. قهرمانی طبقه کارگر کتک‌ها است که با همه جا و در حدیستمان بحساب آید. کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها باید بر نامه روشن همه جوانب، کار را در او احداث و بر گزیرد:

- جلوگیری از فرمایان و اخراج کارگران را -
- سر تولید و آتک آن نظارت کند،
- بست‌های مراقبت و نگهبانی از انبارها، سالن‌ها و ماشین آلات را فراهم آورد،
- آموزش‌های نظامی و از بر نظر ستاد بسیج مستقیمین برای همه کارگران عملی کند،
- کار تهیه مواد خام و وسایل یدکی و قطعات لازم را سازمان دهد.
- بر حقوق کارگران، مزایای قانونی و شیاهای واقعی آنان نظارت کند و اجازه کوچکترین

حق از کسی غایب شود، کار عملی شدن و معادله کارخانه‌های بزرگ و بیرون راندن آنها، امپریالیسم آمریکا را در شرایط مستقیم با ما زمان منابع ملی شده با پیگیری دنبال کند.

- در تهیه پناهگاه، تهیه کسب‌وکارهای آتش نشانی، کتک‌های اولیه و وسایل ضرورتان فوراً بگوشند و کارگران را تا سطح قابلیت کامل جهت استفاده از این وسایل تمرین و آموزش دهند،

- با کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها در تمام منظم باشند و هماهنگی لازم را برای منظر کردن عمل - گردن و انقلاب در واحدهای تولیدی پیدا آورد. اینها و دیگر وظایفی را که از متن مسائل جاری بر می‌آید، با تشکیل کمیته‌های دفاع و تشکیل از نما بنده کارگران و کارکنان و مدیریت کارخانه‌ها، می‌توان و باید با قاطعیت دنبال کرد.

دشمن در تاز و گسترده خویش از برای جبهه ضد - انقلاب جهانی و تمام شیوه‌های معروف و نامشروع آن برخوردار است. برای مقابله با همه دشواری‌ها باید با هر آنچه از اهرج بلند آتک حاصل، بسا برای رارسد و خطوط ویژه طرح‌های عملی را ترسیم کرد. خط هر لحظه هست. این خط هر چه جان‌ها را شامل می‌شود، منظور که شش تن از کارگران ایران تا سبقتی شهنود، و هلیکوپتر سازی را سبقت رسانید، هم بناها سالن‌ها و انبارها را در هم می‌کوبد، هم نخا بر صنعتی و تولیدی را نابود می‌کند و سرانجام چرخ کارخانه‌ها را متوقف می‌کند.

برای مقابله با این خطر، آمادگی قبلی لازم است. آموزش لازم است تا زمان دهی و بر نامه و ویژگی لازم است و همکاری بخش‌های گوناگون موجود در واحدها لازم است. برای مقابله موثر با این خطر، حتی در خود کارخانه نیز سبقتی جبهه، مطمئن بودن در دنیا است. بدین سبقتی جبهه، با ضدا انقلاب وارد جبهه - آفرین و وفتره انگن، ما چرا جروسالناز، تا کله آفرین و توطئه انگیزی دشمن و منظر کرد. این دشمن می‌تواند بقایای عوامل ضد انقلابی ساواک و متا سر خود در رفته مزدور و ضد انقلابیون را شامل شود، که در ما ک‌های گوناگون چپ‌نمای و اسلام پناهی، خاک در چشم حقیقت می‌پاشند و سلاخ‌زنگ زده خود را با سبقتی تا توان سپاه‌ها، کمیسود ها، اغتبا هات، تا رسائی و فدا نام کاری‌ها به حرکت در می‌آورند.

ضدا انقلاب گروهک‌های ما فوجیتی را نیز شامل می‌شود که، بسزورگدی ممکن می‌گوشد، افرادی را نسبت به همه آنچه‌کسی گذرد، بدین سبقتی با خنثی کردن انرژی جوین کارگران در دفاع از انقلاب، رسالت (!) خود را در تلمیخ منابع آمریکای امپریالیست، سر دسته فارتگران، جبهه به انجام رسانند.

آنان با شجاعت در تبلیغ نظرات ضد انقلابی - ولی گاه عوام‌فریبانه خویش، جای ویژه‌ای را در تلمیخ نقشه‌های شوم امپریالیسم آمریکا، جهت تصفیت جبهه درونی انقلابی اشغال می‌کنند. سبقتی به شناخت و طرد این عناصر ترسناک کمیته‌های دفاع قطعا مسئولیت خود را خواهد داشت. و سرانجام با آذوری این نکته بجاست که سرخترین وظیفه کنونی، دفع تجاوز رژیم جنایتکار صدام حسین، است. اقتصاد ما سبقتی و تولیدی ما، برای این که به امر جنگ میهنی یاری رساند، باید جنگی باشد. اقتصاد ما باید بطور عمده در خدمت ارغای شیاهای ناشی از جنگ قرار گیرد. کارگران نیز سبقتی با همه کتک‌ها کارخانه‌ها هدف استراتژیک دشمن است. بنا بر این برای پاسداری از تولید و نگهبانی از امکانات موجود و ایجاد شرایط برای رشد شرایط مساعد، باید با تشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها، خرابکاری‌های دشمن را در تمام می‌آمادگی‌های خنثی کرد.

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

درباره کارخانه‌های چایسازی «املش»

۱- چایسازی شرکت‌های "چور کار" بیش از نصف سرمایه آن به حدود ده نفر از باغداران و بازاریان و طبقه سبقتی هم آن به کتا ووزان خرده‌پا تعلق دارد و حدود بیست تا سیست و پنج نفر در آن مشغول به کار هستند.

۲- چایسازی می‌خواهد با مالکیت این کارخانه نیز خودی است و در آن حدود ۲۵ تا ۳۵ نفر بطور فملی کار می‌کنند.

۳- کارگران این کارخانه‌ها برای دفاع از حقوق صنفی خود در هیچ تشکیلاتی عضویت ندارند، و چون بطور فملی کار می‌کنند، اخراج شدن از کارخانه سواره آنها را تهدید می‌کند.

۴- کارگران بطور کلی از وضع کارخانه‌ها و شرایط کار خود ناراضی هستند و از این شرایط شکایت دارند. اعتراضی و شکایت کارگران گاهی ساعت تعطیل کارخانه‌ها میشود. این اعتراضها بیشتر در مورد اخراج کارگران و یا کسب حقوق و اضافه دستمزد مورت می‌گیرد.

"املش" یکی از مناطق کتک و تهمینه چای گیلان است. که در آن بیش از شش کارخانه چایسازی وجود دارد. خصوصیت هر یک از این کارخانه‌ها بدین شرح است: ۱- کارخانه چایسازی "سهرنگ" این کارخانه متعلق به سرمایه‌داران خصوصی است و در آن حدود شصت تا هفتاد نفرکار می‌کنند، که تعداد کارگران دانشم آن انگشت شمار است.

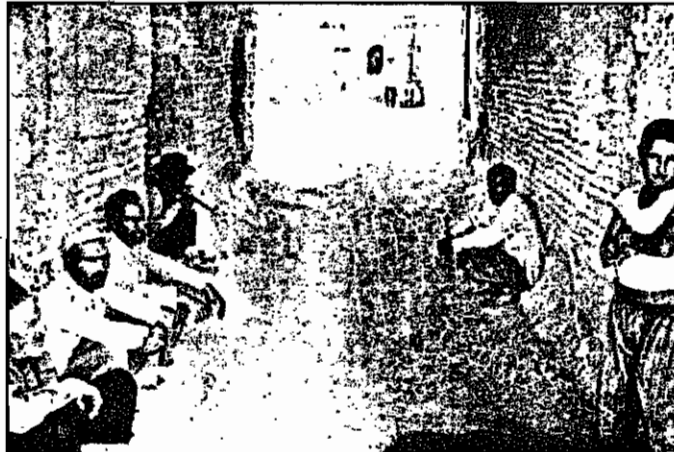
۲- چایسازی شرکت‌های "املش" این کارخانه، بطوریکه از نام آن بر می‌آید، شرکت‌های است. ولی سهام صده آن به نفرانز ن خود اهلای "املش" تعلق دارد. تعداد کارگران این کارخانه بین شصت تا هفتاد نفر است.

۳- چایسازی با ظم مورفی، تولید آن کم و تعداد کارگران بین ۱۵ تا ۲۵ نفر است.

۴- چایسازی البرز، کارخانه به دو نفر سرمایه‌دار اصلی تعلق دارد و تعداد کارگران آن هنگام تراکم کار به چهل تا پنجاه نفر می‌رسد.

- ۱- در حال حاضر مسایل زیر برای کارگران وجود دارد:
 - ۱- کلیه کارخانه‌ها با وجود کرد و خاک فراوان، در محل "خنگ" و "انبار خنگ" فاقد کاتال کشی و تهویه‌های لازم برای انتقال گرد خاک حاصل از چای خنگ به بیرون از کارخانه هستند. فقدان این وسایل سلامتی کارگران را تهدید می‌کند.
 - ۲- کارخانه‌ها فاقد یک سرویس بهداشتی و دوش جهت استحمام هستند و کارگران بعد از قریب ۱۸ ساعت کار در شیاه روز، قادر به یک استحمام و شستن قنار ناشی از چای خنگ شده نیستند.
 - ۳- وضع غذا و زندگی کارگران در کارخانه‌ها تا بسا مان و غیر بهداشتی است. آنان صلی برای خوردن نهار ندارند.
 - ۴- کارگران خواستار رسیدگی به این خواستها و حل‌گیری از اعمال فشار کار- مرما هستند.

هیئت واگذاری زمین و روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان



روستای حسن آباد - اصفهان. دهقانان زمین و آب میخوانند و تا نیروی خلاقه خود را بکار اندازند و برای سبزی انقلاهی خود معمول در چه بیشتری فراهم کنند



دهقانان اطراف اصفهان خوشه‌های گندم را دسته‌دسته میکنند. تا کوبند و امیریکا و تجاوز صدام را شکست دهند.

می‌شود که حتی ظرف شستن و آب برداشتن هم نتوانی باقی بماند. روستای دولت آباد در ۶۰ کیلومتری جاده قم - اصفهان قرار دارد. در حال حاضر تعدادی خوش نشین در این روستا زندگی می‌کنند که مدعیانند، بحد از فرار یکی از مالکین ۱/۵ دانگ از زمین‌ها متعلق به آنهاست، در صورتیکه

تزدیک به ۱۹ ماه از انقلاب تکوین می‌بماند میگذرد ولی در اکثر روستاها و از جمله روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان، هنوز دروغ تعداد کثیری از دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تغییر داده نشده است.

در برخی از این روستاها، میان اهالی بر سر مسئله زمین اختلافات جدی وجود دارد و در برخی دیگر روستاها در انتظار ورود هیئت واگذاری زمین هستند. بی‌اغراق می‌توان گفت که در حال حاضر بهترین مزدگانی برای روستاییان می‌بماند و از جمله اهالی این منطقه، پس از در هم کشتن تجاور دار و دسته مدام حسین و نحو آثار و عواقب آن، مزده و رود هیئت تقسیم و واگذاری زمین است. به همین جهت ورود هیئت مزبور به روستاهای این منطقه، جهت حل اختلافات روستایی احتمالاً تشکیل تعارضات زمین به آسان و متاع، در حال حاضر امری ضروری است تا هرگونه اختلاف و دودستگی از بین برود. به علاوه وضع معیشتی روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان آشفته است. اکثر اهالی روستاهای این منطقه از نعمت آب، برق، حمام، درمانگاه و پزشک و دیگر نیازها و وسایل اولیه زندگی بی‌بهره‌اند. نمونه‌های زیرگویی وضع نامساوی روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان و ضرورت اقدام فوری هیئت‌های

اهالی روستا و قمر و دهستان‌های خود را به دفتر هیئت نظری برده‌اند، تا این روستاها را از زمین‌های آنان، نام روستاها را ثبت کنند. هیئت مزبور وظیفه دارد در درجه اول اراضی بزرگ مالکان را، که ماهی ۳۰ و کانون فساد و غارت هستند، بگیرد و به دهقانان بدهد. باید دانست که دادن زمین‌های موات، که قدمت کثیری هیئت است، در شرایطی که هیچ وسیله‌کاری کشت آن اراضی نیست، حتی از اقتصاد کشاورزی ما مضر است. چه رسد به مسئله بسیار اساسی اجتماع، و سیاست‌های رسته‌کنی بزرگ مالکین.

اراضی آرزوستای فیض آباد و جاسی آباد، در حدود یکسال پیش در اختیار یک روحانی‌تبار بوده، که اکنون در اختیار دهقانان است. آیت‌الله خلیلی‌زاده امر واگذاری زمین به دهقانان، بهاری بسیار رسانده است، اما روحانی‌تباری مالک دهقانان است. این اراضی را به دهقانان و مزاحم کشت و کار دهقانان می‌شود. روستای چاهک با ۷۰ خانوار جمعیت در جاده قم - ساوه قرار دارد. عمده‌ترین مشکل اهالی این روستا نیز همچون دیگر روستاها مسئله زمین است. این روستا شورا دارد. هیئت هفت نفری، یکبار برای مذاکره جهت واگذاری زمین به این روستا آمده است، که در آن هنگام اعضای شورا نبوده‌اند، علاوه بر اینها، در این روستا آب و برق وجود ندارد.

در روستای حسن آباد نیز وضع به همین منوال است. این روستا با جمعیتی در حدود ۶۰ خانوار در ۵۰ کیلومتری قم قرار دارد. هیئت شورای این روستا به وسیله هیئت هفت نفری انتخاب شده‌اند. در حدود ۲۰ خانوار در این روستا فوش نشین هستند. این روستا آب و برق ندارد. تنها حمام این روستا بهداشتی نیست. آب معدنی اهالی بسیار کم است و آب کدر و لوله واقع در محلات بالویا بین باعث

دهقانان کم‌زمین عقیده دارند خوش نشین‌ها سهمی از زمین ندارند، و اگر هم قرار داد این ۱/۵ دانگ تقسیم شود، باید میان تمام دهقانان تقسیم شود. به هر حال، این وظیفه هیئت ۷ نفری است که به این گونه اختلافات پایان دهد. این اختلافات املاً نه به سود روستاییان، ام از دهقانان کم‌زمین و خوش نشینان است. و نه به سود انقلاب. هیئت باید رسیدگی کند و حق را به حق دار بدهد. اصل بر آنست که تمام زمین‌ها در اختیار همه زمینداران است. ام از کم‌زمین و بی‌زمین، برادران کارکنند و به سود زمین انقلابی و خانواده خود، تولید را سازمان دهند. شاید در این جا هم تشکیل تعاونی تولید مناسب‌ترین راه برای نیل به اتحاد و کار مشترک همه روستاییان باشد. این اختلافات در روستای نظری با وسع چندا بنیز، به چشم می‌خورد. این روستا تعدادی زمین غیر زراعی دارد، که اهالی می‌خواهند در آن خانه بسازند، اما هنوز توافق بین آنها بر سر تقسیم زمین نشده است. قرار شده است که چند تن از اعضای شورای روستا (بنا به تصمیم هیئت نظری) با اهالی دربار این موضوع مشورت کنند و قیمت مناسبی برای زمین تعیین کنند و آن را به اهالی بفرشند. به همین جهت حسابی دربارتنگ به نام شورا ایجاد شده است، که اهالی می‌توانند پول زمین را به آن حساب واریز کنند و از این طریق صرف عمران روستا کنند. این روش که اصل را بر کار جمعی و مسئولیت و نقش شورای ده قرار می‌دهد، بسیار پسندیده است و باید تالیق و تأیید را در سایه همین گونه همکاری‌ها در چارچوب شورای ده، به دست آورد.

روستای نیزار، در ۵۰ کیلومتری جاده قم - اصفهان قرار دارد. در حدود ۶۰ خانوار از ۹۰ خانوار ساکن در این روستا، خوش نشین هستند. ۴ مالک بزرگ این روستا ۳۵۰ هکتار زمین در اختیار خود دارند. این روستا آب و برق ندارد و مدرسه و انجمنی آن را مالک ساخته‌اند. واقع است که انقلاب ما، انقلاب کوشش‌نا و بی‌سختی‌نا، نمی‌تواند تحمل کند که در دهی از یکسو ۳۵۰ هکتار بزرگ مالکی باشد و از سوی دیگر ۹۰ خانوار بی‌زمین. او روزی ۵۰ خانوار جمعیت در جاده قم قرار دارد و آب ندارد. تیرهای چراغ برق را تا زگی آورده‌اند. نحوه مالکیت بر روی زمین‌ها به صورت فردی، مالکی است. دشمن، که در انتظار فرصت مناسب است تا شمشیر زهرآکین خود را بر فرق انقلاب فرود آورد، می‌کوشد تا برای تضعیف طرفداران انقلاب، دشمنان بین زمینداران برآورد و با رهایی و ناامیدی ایجاد کند. در حال حاضر وجود اختلاف میان دهقانان، ممکن است باعث درگیری‌هایی شود که این نتیجه‌ناست خوددهقانان نیست، بلکه در مجموع به سود دشمن متجاوز یعنی عمال صدام حسین و ربا بش امپریالیسم امیریکا و به زبان انقلاب است. با اتخاذ تدابیر جدی و فوری و در درجه اول آغاز کار عملی هیئت ۷ نفری و از زمین بردن کامل بزرگ مالکی و دادن زمین به دهقانان این مناطق، می‌توان جلوی اختلافات را گرفت و مزده بزرگی به دهقانان داد. این کار یک گام عملی و موثر در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب و میهن انقلابی ما، در راه بسط پرزسی دهقانان و در راه تأمین معمولات هر چه بیشتر و تولید فراوان تر است.

حمام به دلایل چندی خراب شد و فعلاً اهالی از داشتن حمام محرومند. روستا فیسان مجبورند برای استحمام به روستای گیدر، واقع در ۱/۵ کیلومتری کلات فیسان بروند. کلات فیسان دارای یک تراکتور است که آن هم خراب است. برای روستاییان زمستانی که با کمبودهای اساسی روبرو هستند باید بطور انقلابی و سریع اقدام کرد. رهسپور اما خمینی، رهبران انقلاب، ایستند که از وزارتخانه‌ها و ما موران اجرا بخواهند که از کاغذهای بی‌کار و غلط‌کارهای زمان طاعت اجتناب کنند و روستاهای ملت مظلوم و عقب افتاده‌ای از آن راه طور غریب ترمیم کنند. باید هر چه زودتر به نفع این زمینداران رسیدگی شود. این کار اهمیت اقتصادی و سیاسی فراوان دارد و توطئه نیکوکارانه آمریکا را، که می‌خواهد کشور ما را با طغیان و کمرنگی به زانو درآورد، درهم خواهد شکست.

این آباد، که در نزدیکی کلات فیسان واقع است، در اثر سیل زدگی از بین رفت و اهالی آن روستا مجبور به اقامت در کلات فیسان شدند. با توجه به این که یک سیل‌بند غیر مطمئن از این روستاها محافظت می‌کند، هنوز احتمال خطر وجود دارد. روستاییان خواهان یک سیل‌بند مستحکم و مطمئن هستند. آب‌آزمایی‌های اهالی روستا وسیله یک قنات تا زمین می‌شود، که آن هم در خطر است. آبدن است. این قنات چندین سال است که لایروبی نشده است. اهالی روستا انتظار دارند که ایجاد سازندگی نصب منبع آبی در کنار قنات و لوله‌کشی را با نصب موتور پمپ به اتمام برسانند. روستای کلات فیسان مدرسه ندارد. دانش آموزان در مجبورند در خانه یا یکی از اهالی جمع شوند و در آنجا درس بخوانند. سال پیش اهالی ده با همبندی بگیرگ موفق به ساختن حمام شدند، ولی این

هیئت‌های هفت نفری! زودتر عمل کنید بزرگ مالکی پایگاه امپریالیسم و ستون پنجم تجاوز کاران است تکیه گاه دشمن را با واگذاری زمینها بد دهقانان زحمتکش نابود کنید.

په‌ویچ قطعنامه کمیته اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد: ساکنان عرب سرزمین‌های تحت اشغال صهیونیستی به منابع طبیعی این سرزمین حق حاکمیت دارند

آمریکا و اسرائیل به این قطعنامه رای مخالف دادند
کمیته اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای اعلام کرد که ساکنان عرب سرزمین‌های تحت اشغال نیروهای صهیونیستی، به منابع طبیعی سرزمین خود حق حاکمیت دارند. در این قطعنامه اقدام‌های اسرائیل برای استفاده و چپاول این ثروت‌ها غیرقانونی شناخته شده است. کشور اسرائیل و حامی اصلی آن آمریکا به این قطعنامه رای مخالف و دیگر کشورهای غربی نیز رای مخالف دادند. بدین ترتیب یکبار دیگر روشن شد که اسرائیل در سیاست‌های تجاوزکارانه خود از طرف آمریکا کاملاً حمایت کامل دارد.

ضیاءالحق دروغ میگوید
خبرگزاری فارس در تفسیری پیرامون اظهارات ضیاءالحق، دبکتانور پاکستان، می‌نویسد که گویا اتحاد شوروی و افغانستان با حل و فصل سیاسی مسائلی که پیرامون افغانستان بوجود آمده، مخالفانه اعلام کرده که حل و فصل سیاسی مسائل منطقه کاملاً امکان‌پذیر است. بشرط آنکه کسی واقفانه و باخودخواهان این حل و فصل باشد و مانند ضیاءالحق تلاش نکند که حقایق را وارونه جلوه دهد و مابیت سیاست شوروی و افغانستان را تحریف کند. تاسی اضافه کرد که اگر رهبران پاکستان واقفانه و باخودخواهان حل و فصل سیاسی مسائل هستند، از مدتها پیش راه این حل و فصل باز شده است. در ۱۴ مه اسامیل دولت افغانستان حاکمیت خود را ثابت کرد و پیشنهاد نمود که براساس برابری، مذاکره برای مادی کردن روابط آغاز شود. اما پاکستان پیشنهاد دولت افغانستان را رد کرد و تکیه داد که مایل نیست مسلح و ثابت در منطقه حکمفرما شود. ادعای اسلام‌آباد می‌نویسد که خواهان حل و فصل مسائل است. پیوسته با توجه به این واقعیت که پاکستان پایگاه تجارز علیه افغانستان است، دوستی بی‌پیش‌نشر برسد. تاسی تاکید کرد که رهبران پاکستان در مورد خطر موهوم شوروی و افغانستان تنها مداخلاتی را که از آسوی دریاها بلند می‌شود، متکی می‌کنند.

سر نوشت رهبر حزب کمونیست پاراگوئه همهچنان مبهم است

به گزارش رسانه‌های گروسی خارجی، سخنگوی پلیس بوتوس آیرس به خبرنگار آسوشیئیتد پرس گفته است که، آناتولیو مایفاله رهبر حزب کمونیست پاراگوئه و امیلیو داتو یکی از رهبران کارگری این کشور به قتل رسیده‌اند.
این دو تن دوست بزرگ پاراگوئه چندی پیش در بوتوس آیرس ربوده شده بودند. با این همه هنوز از سر نوشت این دو مبارز اطلاع دقیقی در دست نیست. شایبه قتل رهبر حزب کمونیست پاراگوئه که تکران آزادانه خوانان آمریکای لاین را برانگیخته است، سازمان‌های اجنسی آمریکای لاین و بسیاری از کشورها باردیگر از دولت آزادین خواهانند که تحقیقات کاملی را در این باره انجام دهد.

در تلگرافی به امام خمینی سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام اعلام داشت

به پیروی از فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان، ضمن تلگرافی خطاب به امام خمینی، آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام کرد. در این تلگرام، از جمله آمده است: «سپاه صدام می‌تواند، در سایه حمایت امپریالیسم، به رهبری شیطان بزرگ - آمریکا، به کشور ما هجوم آورده است، تا انقلاب ایران راه که خاری در

تکذیب
بر اساس اطلاع رسیده از دبئی شخصی بنام طوسی، که بیشتر اوقات در دفتر مطبوعاتی ایران در دبئی بسر میبرد، خود را عضو حزب توده ایران معرفی کرده است. بدین وسیله اعلام می‌داریم که این فرد هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۷/۲۳



مردم را مسلح کنید، امریکا قدرت مقابله با نیروی گداز مردم انقلابی را از رده

امپریالیسم رسیده و به سخنگویان این پارتی روزنامه غیره حق بیان ندهد، چه سیاست و نفع در این زمینه اعطای آزادی مطلق می‌تواند به شکل و تغییر عمل، امپریالیسم کند و امکانات آنرا برای مقابله با انقلاب ترویج نماید. به همین جهت جلوگیری از فعالیت ضد انقلاب پسین و اعمال استعمارگران خارجی از ضروریات فرزانقلاب است. ولی سیاست‌های پیشنهادی، زیرلای آزادی‌های لیبرال هستند، بی‌شک این انقلاب مبارز با خلع سلاح کشور را بر ضد انقلاب و سازندگان هموار سازد. ما شاهد بوده‌ایم که دولت شوروی در جهت تسخیر آزادی برای ضدانقلابیون، مثال رژیم گذشته برآمده‌اند و وابسته داشت. ما فراموش نگردیم که رهبران دولت وقت بارها با امرای و مساجد موهومی جنایتکاران روسستان نظام طاقتی را خواسته‌بودند و در این زمینه نیز به کمک و سازماندهی نیز استفاده می‌کردیم. به همین دروغ فتح که همه دشمنان خود را بخشد (دبیدم که فرزندان همین طلق، یعنی آزادگان، با ملی‌بی‌اطلاعت و فرزند شیاع وی حسین بن علی چه کردند).

مسئله ملی
تجربه‌کنندگان گزارش می‌دهند که اکثر مردم از ملت‌های اقوام متحد است و این خلق‌ها، که در نظر گذشته با مردم مصلحت را محسوس کرده‌اند، هم اکنون نیز به سیاست‌ها و برنامه‌ریزی جامع و وسیع جهت رفع ست دارند. ما هم اکنون شاهدان هستیم که بی‌توجهی به این مسئله پس از انقلاب چه دشواری‌های بدیده‌آورده و پیچیده‌انگازت ماسدی را در اختیار امپریالیسم و انقلاب داخلی قرار داده است.
اما گزارش تمام این واقعه‌های مهم را باید دید که گرفته است. با این‌که مسئله تروپ فنی فعالیت‌های اقتصادی و آمایش سرزمین، بخشی از مسئله ملی است. اما گزارش را تشکیل می‌دهد، ولی حل مسئله ملیت‌ها در این گزارش یکی از یافته‌ها، تا آنجا که حتی اولین و شریک‌ترین حق هر یک از ملت‌ها، یعنی آموزش به زبان مادری که در اصل ۱۵ قانون اساسی نیز استفاده از آن در سطوح و رسانه‌های گروهی ایجاد نموده‌اند. این اقدامات از گذشته سیاست‌های پیشنهادی سکوت گذاشته شده است. تهیه‌کنندگان گزارش هر چند لزوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای و استانی را یادآوری کرده‌اند، ولی به همین مسئله مهم توجه نمی‌کنند که در نظام گذشته، به عمل سیاسی و به منظور محروم کردن خلق‌های ایران از حقوق خود، تغییرات تروپ و تقسیم‌بندی فرساخته می‌گردد. عمل آورده‌اند و تنها در تقسیمات کشوری یکی از شرایط اولیه تعیین حقوق ملی خلق‌های ساکن ایران است.
بدون تردید بحث درباره سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی به تفصیل بیشتری نیاز دارد. ولی تروپ مهم که به توضیحات بالا گزارش‌های اصلی و خط‌مشی‌های گزارش تاحدود مشخص شده است.
این گزارش‌ها نیز در مورد انقلاب، بلکه در مورد سازگاری، نه برای ایجاد تحول انقلابی در جامعه، بلکه برای احیاء و تثبیت نظام اجتماعی- اقتصادی گذشته تنظیم شده است.
به یک تنظیم که گزارش افراد مترقی انقلابی نیز وجود داشته‌اند. ولی گرایش‌های حاکم بر گزارش را سازگاری با تعیین کرده‌اند. مردم انقلابی کشور را در نظر سیاست‌ها و اقتصاد و اجتماعی انقلابی، بری از هرگونه کاری و دور از هرگونه تزلزل و تذبذب‌اند. فقط بر پایه چنین سیاست‌هایی می‌توان گفت که برنامه‌های برای تحول انقلابی در تمام کشور اقتصادی و اجتماعی می‌تواند تنظیم کرد.
ما امیدواریم که دولت جدید گزارش نهایی «سیاست‌ها و توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران را، که مخالف اهداف صد امپریالیستی و خلقی انقلاب و خلاف اصول قانون اساسی است، با سیاست توسعه و تکامل خود قرار ندهد.

بوقت از همان آغاز به ضدیت با شوراهای حاکمیت وسیع کرد که با شوراهای منحل کند و با آن‌ها در بندهای شرفیاتی و فاقد مسئولیت و کارایی بدل سازد. فقط زمانی که توده‌های میهنی در تبعید چنانچه جهان‌شهرت یافته و طالقانی باختم فریاد زده‌اند که «پام طالقانی، شوهرت است و شوهر» دولت وقت تا چار قانون شوراهای شهر را تصویب کرد، ولی دیدیم که صدام در تبعید فقرات قانون و اجرای آن موجب شد که، مردم از انتخبات شوراهای استقبال نکنند و شوراهای در تبعید منحل و با بی‌کارو عملی گردند. سیاست‌های پیشنهادی در گزارش نیز چنین برخوردی نسبت به شوراهای دارد. در این گزارش فقط تشکیل شوراهای در تبعید (صفحه ۶۰) پیش‌بینی شده و وقتی آنها هم فقط به نظارت بر اجرا محدود گردیده‌اند (صفحه ۱۵). با وجود این که قانون اساسی، در اصل مقرر کرده است، با استناد آيات قرآنی «همه شوروی و پنجم و شاورهم فی الامر»، نقش شوراهای در تمام سطوح ارگان‌های تصمیم‌گیری و اداره را روشن کرده است، و اصل یکم قانون اساسی، تأسیس شوراهای در کلیه سطوح، هم از زده، بخش، شهر، شهرستان و استان را جهت نظارت بر اداره امور مقرر کرده است، و اصل ۵۲ همین قانون تأسیس شوراهای واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها را، جهت همکاری در تبعید برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور پیش‌بینی کرده است، اما سیاست‌های پیشنهادی هم این اصول را نادیده گرفته و هیچ‌کدامی را برای کارگزاران در اداره، برنامه‌ریزی و هماهنگی در واحدها قائل نشده است.
این وضع، با توجه به تعاملات سیاسی گزارش دهندگان، طبیعی به نظر می‌رسد. به عقیده آنان، در کارخانه‌ها هر روز مردم و همه مردم به هر نوع شیوه‌ها حکم بر روابط کار و اعصاب‌های مردم (صفحه ۸۴) حکمفرماست و حتی داشتن عقاید سیاسی و صفی نیز سبب روابط متشنج بین کارگران می‌شود! آنان سرانجام شوراهای کارگری و شوراهای کارکنان را سبب برهم خوردن نظم در واحدهای تولیدی می‌دانند (صفحه ۸۴).
اما همین گزارش، با قبول درست این‌که، گویا قشرهای رفرونی‌نهمه رفه اجتماع از راه‌های مشروع ثروت انداخته‌اند، برای آنها، به علت انتظارات طبقاتی محروم، ابرازگرانی و احساس خطر می‌کند (صفحه ۱۹۹)، و لاسدا اظهار نظر می‌کند، حتی در سال‌های قبل از انقلاب، توفاست کارگران و کارمندان به صورت غیرعقول بالاتر فرموده! (صفحه ۱۹۹)
گزارش با تاکید بر لزوم اعمال قانون کارگران طاقت (صفحه ۸۷) می‌گوید از کارفرمایان پشتیبانی کند.

آزادی‌های سیاسی
طراحان «سیاست‌های تکامل و توسعه» ظاهراً تاکید زیادی بر آزادی‌های سیاسی بعمل آورده‌اند. طبق پیشنهاد آنان باید «اجازت فعالیت به هم‌گروه‌ها از کوچک و بزرگ داده شود» (صفحه ۱ و ۲) و «آزادی عقیده، بیان ... برای افراد و اجتماعات وجود دارد» (صفحه ۲۶).
این قبیل شعارها بدون تردید صحیح و سطقی است، و بر آزادی‌های دموکراتیک لازم که جامعه مترقی است، و غافل از آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های محدود و رزواوسی را می‌فهمند، که در آن اگر زور برسد، جایی برای نیروهای مترقی و پویه‌گوش نیست. این واقعیت بر حلات خصمانه کمونیست‌ها علیه لیبرال‌ها، نیروهای چپ و مارکسیست‌ها قابل توجه است و به همین جهت همه حزب توده ایران تأیید می‌کند. فراموش نکنیم که امری انتظام کشوری دولت وقت به استناد قانون سازمان طاقت، مخالف فعالیت علمی و فکری حزب توده ایران بود. تا آنکه اساسی دیگری که طراحان عمداً نادیده گرفته‌اند، لزوم مبارزه با عوامل ضد انقلاب است. انقلاب ما برای حفاظت از خود باید اجازه فعالیت را از دست‌های ضد انقلابی و گروه‌های متعلق به سرمایه‌داران وابسته و عوامل

تحلیلی از گزارش نهایی

بحه از صفحه ۳
حق تعلق بهره‌برداری، را فراری پاتی گذاشته‌اند، تا با هم امکان برداشت هم مالکانه و نظایر آن برای مالکین بزرگ باقی بماند.

۲- نادیده گرفتن نهادهای انقلابی و مسائل اجتماعی

در گزارش به علت تسلط تأملات لیبرالی بر آن، نهادهای انقلابی، که از دستاوردهای بزرگ انقلاب ما است، نادیده گرفته شده و مسائل مهم اجتماعی به همین ما با مسکوت گذارده شده و یا به صورتی سطحی مطرح گردیده است. به برخی از آنها می‌پردازیم.

نهادهای انقلابی
در جریان اوچکری نهضت انقلابی، به منظور توسعه و پیش برد انقلاب و رفع نارسایی‌ها، نهادهای مهم، بنا بر توده‌ها بوجود آمد. که در روزهای پیروزی سیاسی و نظامی انقلاب نقش مهمی ایفا کردند، و پس از آن هم، با وجود تمام نارسایی‌ها و ناهنجاری‌ها، خدمات بزرگی را حفظ و پاسداری از دستاوردهای انقلاب انجام دادند. تا آنجا که می‌توان گفت، در صورت فقدان این نهادها، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی می‌توانستند لطغات سازماندهی انقلاب و در سازماندهی سازگاران لیبرال موفق به انحراف نهضت انقلابی گردند. این نهادها، که از بین آنها می‌توان از سپاه پاسداران، کمیته‌ها، دادگاه‌های انقلاب، شوراهای و جهاد سازندگی نام برد، با پشتیبانی قاطع و بی‌گام خمینی، توانستند به قیمت خون هزاران جوان انقلابی و تلاش توده‌های وسیع، محتوای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را تا حدود زیادی حفظ کنند، و هم‌اکنون نیز نقش ارزنده‌ای در نهادها و ضرورت آن‌ها برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایفا می‌کنند. براساس ولی گزارش تمام این نهادها و خدمات آنها نادیده گرفته می‌شود و هیچ‌گونه نقش و وظیفه‌ای برای آنها قائل نشده است. گویا طراحان «سیاست‌ها و برنامه‌ها» در انتظار برچیده شدن کامل این نهادها بوده‌اند. می‌دانیم که این انتظار نیز انعکاسی است از خواست‌ها و هدف‌های دولت وقت و گروه‌های لیبرال، که در مورد تعطیل یا تصفیه این نهادها بوده و هستند.
به جهت این‌که توان گفت که چنانچه شور و حمایت توده‌های انقلابی و پشتیبانی صریح و قاطع رهبر انقلاب نبود، دولت وقت نمی‌توانست در این هدف خود توفیق یابد و «سیاست کام‌برگم» خود را که چیزی جز سازگاری و برگرداندن استعمارگران خارجی و غارتگری داخلی بود، تحقق بخشد.

شوراهای
شوراهای، به عنوان نهادی استکباری و خودجوش، از بن انقلاب ایران برخاست. شوراهای از یک طرف مشکلات و دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی را تسکین می‌بخشد و بر طرف دیگر تعدیل مداخلات و تعاملات و نظایر آن راه می‌دهد. داشتن وظایف دیگر در کارخانه‌ها، ادارات و سایر سازمان‌ها، خصوصاً پس از انقلاب، و سهم عمده‌ای در حفظ اموال و اعتماد و همراهی با بخش واحدهای خدماتی و تولیدی داشته‌اند. ولی تک دولت انقلابی می‌توانست این نهاد را در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب و کار سازندگی استفاده کند. اما دولت

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جنبه متحد خلق

قطب زاده بار دیگر بر ضد خط امام قیام کرده است

روزنامه «اطلاعات» (۲۴ مهر ماه ۱۳۵۹، ص ۱۰) خبر میدهد که صادق قطبزاده، در یک مساحه اختصاصی با «پول» یورگنس، خبرنگار روزی، مطلبی اظهار داشته که در شماره ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ روزنامه «داگلات» چاپ اسلو منتشر شده است. متن کامل گزارش واصله از مساحه قطبزاده بقرار زیر است:

... صادق قطبزاده وزیر خارجه پیشین ایران در مساحه پسا روزنامه «داگلات» چاپ اسلو گفت: دولت ایران که به خاطر جنگ با عراق قابل سرزنی است، باید فوراً گسروگانهای آمریکایی را آزاد کرده، و به دلیل برقیات گرفتار رود... دولت ایران مسئول عدم رهبری صحیح نیروهای مسلح، و نیز مشکلات اقتصادی و اجتماعی است، و این خود برآورد امکان داد با ایران حمله کند.

قطبزاده که اینک در تلاش انتشار روزنامه «بنام و بضر» در تهران است، به خبرنگار روزی گفت: عراق زمان درست را برای حمله انتخاب کرد. وی در مساحه خود افزوده: انتظار چنین حمله‌ای را داشته، تا کنون نه باین زودی (!) قطبزاده تأکید کرد: ما نباید سیر کنیم تا آیت‌الله خبیبی رحلت کند و

تجدید پیمان از سنگرهای رزم با افسران شهید توده‌ای * ۲۶ سال از سالروز شهادت اولین گروه افسران شاخه نظامی حزب توده ایران گذشت

۲۷ مهر، بیست و ششمین سالگشت شهادت گروه اول افسران غشو شاخه نظامی حزب توده ایران است.

۲۶ سال پیش در سحرگاه خونین چنین روزی، رژیم تبهکار پهلوی، که بعد از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد تصمصیم گرفته بود پایه‌های سلطنت خود را بر خون زبندگان راه استقلال و آزادی ایران استوار کند، ۹۹ نفر از افسران غشو شاخه نظامی حزب توده ایران و یک رفیق شاعر را به جرم «اعدام سپرد».

در سحرگاه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ دژخیمان شاه برهیکر قهرمانی رفت:

- ستوان یکم عباس اراخته
- سرهنگ ژاندارمری عزت‌الله سیامک
- سروان شهربانی نورالله شفا
- سرهنگ دوم نعمت‌الله عزیزی
- مهندس و شاعر مرتضی کیوان
- سرهنگ دوم محمدعلی میثری
- سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی
- سروان شهربانی محمدعلی واعظ قائمی
- سرگرد حقوقدان هوشنگ وزیریان
- آتش کشوند، رفقای توده‌ای در آن سینه‌دم خونین با فریادهای:

«مرگ بر شاه!
- زنده باد حزب توده ایران!

و با این ایمان به صف طولی شهدای حزب توده ایران، این شهدای راه آزادی وطن از سلطه استبداد و امپریالیسم پیوستند که بر بستر خون آنها مشت‌های خلق یگانه خواهد شد و بساط ننگین سلطنت و سلطه امپریالیسم را فرو خواهد ریخت. تاریخ بر همان راستا رفت که شهادت توده‌ای خود را خود را

فردا (دوشنبه) نامه مردم منتشر نمیشود

**در جنگ
عادلاننه بر ضد
رژیم صدام
حسین و برای
دفاع از میهن
انقلابی شرکت
کنیم!**

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

از بندرعباس ۴۰۰۰۰ ریال
مادر ۵۰۰۰ ریال
از قزوین ۵۰۰۰ ریال
از بندرعباس ۴۰۰۰۰ ریال
مادر ۵۰۰۰ ریال
پ.م ۲۰۰۰ ریال
ف.ع ۱۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام «تقی کرمشور» به شماره ۳۳۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاماسامعیل سنوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نثارش کردند. امروز، در سالروز شهادت این رفقاء نسل‌توین توده‌ای‌ها در سنگرهای رزم با امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، رهاشان را برای آزادی کامل وطن از سلطه امپریالیسم ادامه می‌دهند.

نسل نوین توده‌ای‌ها، که حماسه رزم و شهادت را از اسلاف تهرمان خویش به میراث برده‌اند، یاد دیگر پیمان‌خویش را با افسران شهید توده‌ای تجدید می‌کنند که تا آخرین قطره خون خویش را نثار آزادی میهن انقلابی از سلطه امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی آمریکا و دفاع از جمهوری اسلامی ایران کنند.

خامسه، منتقد است که برای تشکیل دولت تازه «باید سیر کرد تا آیت‌الله خبیبی رحلت کند».

خلاصه این نظرات قطبزاده اینست که: از مخالف خط امام است، مخالف سیاست جمهوری اسلامی ایران است و مخالف روح انقلاب شکوهمند ایرانی است.

و اینکه: یا وجود امام خبیبی و اختیاراتی که قانون اساسی به ایشان تفویض کرده، قطبزاده از چه راهی می‌خواهد دولت تازه تشکیل گردد؟

بنظر ما قطبزاده آن اهمیت را ندارد که کسی وقت خود را صرف خواندن و تعبیر گفته‌های وی کند. ولی از این لحاظ که بداییم چه کسی نزدیک یکسال و نیم خود را در حساس‌ترین سببهای سیاسی و دولتی جمهوری اسلامی ایران بجا داده بوده تمق درباره مساحه نامبرده غروروت دارد.

و حال این باید دانست که، آن کسی که با انتشار روزنامه جدید می‌خواهد به انتشار این افکار ضدانقلابی در جامعه ما ادامه دهد، دارای چه سوابقی است. می‌توان تصور کرد که این شخص در سمت رئیس رادیسو تلویزیون چه کارها کرده است و در مقام وزیر خارجه چگونه در تخریب مواضع جهانی جمهوری اسلامی ایران کوشیده است.

وحدت خلق...

پایه از صفحه ۱

را در آغوش گرفتند. صحنه خیابانی در آن نبرد دشوار، سنگر واحد تمامی مردمی بود که لیدر استقلال و آزادی کشورشان بسته بودند. در این نبرد سرنوشته‌ساز، کسی از کسی برسیه که: هم‌زمن من! موضع سیاسی تو چیست، از کجا آمده‌ای و طرفدار کدام مکتب هستی؟ امر مشترک همه نیروهای زبندمه، سرنگونی شاه ملون و ایجاد حکومت مستقل مردمی بود و در این راه، همه مردم، صرف نظر از عقیده و مذهب و جنس، در کنار هم جنگیدند، در کنار هم زخوب‌داشتند و خونشان در جویباری واحد روان شد.

شروع جنگ تحمیلی از سوی رژیم جنایتکار صدام حسین و بظن اتراندن استقلال و تمامیت کشور از حساب امپریالیسم متجاوز آمریکا، یاد دیگر تمامی مردم میهن‌دوست را به دور هم گرد آورد و در سنگر واحد یکبار قرار داد. نثارهای عقیدتی و مسلکی، که در بیست ماه پس از انقلاب، آگاهانه و ناآگاهانه غلظت پذیرفته و جای بر حل مسائل مهم انقلاب تنگ کرده بود، با آغاز جنگ رنگ باخت و جای خود را به همدلی و همیاری و همگامی مردمی داد که، صرف نظر از افتخارات مسلک‌شان، استقلال کشور خود و حفظ جمهوری اسلامی ایران را چون مردمک چشم عزیز می‌دارند، و در این امر متراکم میهنی، آماده برای همه گونه فداکاری و ایثار هستند.

مرد محروم و امپریالیسم زده ایران، که با انقلاب پرشکوه خود نمونه‌امجاب است، آجین و ستایش‌انگیزی از پایدار و ایثار به‌جانبان ارائه دادند، باردیگر در این جنگ میهنی، چشم به‌جانبان را بنفوذ خیره‌ساخته‌اند: آمادگی عوسمی برای

انجام به جبهه، خوارسردن هستی‌خویش و عزیزداشتن اهداف انقلاب، پذیرش دشواری‌ها و حرمان‌ها برای نبرد طولانی با امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، قبول کار بیشتر و تولید بیشتر برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور در برابر دشمن، همه و همه آئین‌روی نهفته در توده‌های مردم است که این بار نیز با درخشندگی خاصی، امجاب به‌جانبان را برانگیخته‌است. صرف نظر از یک اقلیت ممتاز غرقه در ابتذال، که تاب کمترین صحریت ندارد، خون خود را رنگین تر از دیگران می‌ندارد و جز رفاخ خود به چیزی نمی‌اندیشد، و گروهی بی‌اهمیت خرابکاری که زیر پرچم مائولیس در سراسر دوران پس از انقلاب سرگرم اختلال بوده و اکنون بزولانه خود را کنار کشیده و جنگ میهنی ما را «جنگ ابرجانی» نام نهاده است، کل مردم، چنان درجه عالی از میهن‌دوستی از خود به نمته بروز آورده‌اند، که بحق موجب افتخار کشور بلاکشیده ما در جهان است و دیای مترقی با ستایش و احترام از آن یاد میکنند.

علیرغم برخی از دستهای انحصارطلب، که هنوز اینجا و آنجا در کار وحدت خلق و آمادگی توده‌ها برای شرکت در جنگ میهنی اختلال میکنند و تفریق روا میدارند، روند یکبار خونین در جبهه جنگ جنوب، در شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز، ذوقل، سوسنگرد به روشنی نشان می‌دهد که، مردم یکپارچه متحد در کنار هم می‌جنگند و چیزی که بهیچرو در ذهنشان نمرخله قاتل‌های عقیدتی و مسلکی است، برای این مردم زبندمه ایثارگر، آنچه مطرح است، دفاع جانانه از میهن انقلابی، استمرار انقلاب و پایداری نظام جمهوری اسلامی است، که برای مردم محروم این مرز و بوم، استقلال و آزادی پسرماه آورده

این نحوه برخورد انقلابی با مسائل مهم مملکتی، باید برای حاکمیت انقلاب و همه سازمانهای سیاسی تجربه آموز باشد، و وحدت خلق از پائین و در میان توده‌ها، بوجدت‌متشکل سازمان یافته در بالا و در میان تمامی نیروها و سازمان‌های انقلابی، ارتقا یابد.

شاید در این امر، امروز دیگر کمترین تردیدی نباشد که، اگر تشکیل جبهه متحد خلق در دوران پس از انقلاب مورد توجه انگار و کارشناسی عمدی و می‌بماند، امروز قدرت شکر فکری و تصمیم‌گیری جمعی، و اشتراک‌مساعی همه نیروهای سیاسی مدافع انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، بر سر برنامه عمل‌متراکم کارائی ما را در نبرد علیه امپریالیسم فئادار آمریکا صدچندان کرده بسود، هنگی مترفند که فرمان تاریخی امام خمینی در تشکیل شورای دفاع موجب ایجاد هماهنگی میان نهادهای شرکت کننده در نبرد علیه تجاوزگران صدامی است و تأثیر و کارائی نیروهای زبندمه رابه درخات والا تری ارتقا خواهد داد. بهمین ترتیب است وحدت عمل تمامی خلق در بهیشترا دهنده انقلاب، تصمیق و گسترش آن، زیرا اینجا جبهه وسیع تری از نبرد علیه امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا است و در این جبهه گشاده، وحدت عمل نیروها مهم‌ترین ضرورت است تا کارائی ما را در جبهه نبرد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی علیه امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، افزایش دهد، از شور و هیجان سازد و راه دشوار مبارزه را آسان‌تر و کوتاه‌تر سازد.

باید روزی که جبهه متحد خلق، بتواند مظهر وحدت متشکل خلق، تحقق یابد.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر پیرزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه مردم)
هوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 361
19 October 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM

France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۲ پستی تهران

تصحیح

فردی بنام ناصر صادقی طی نامه‌ای خطاب به نامه مردم، ضمن اشاره به مطلبی در شماره ۳۴۷ نامه مردم اعلام کرده است که برادر دکتر علی صادقی، از رهبران گروهک ضدانقلابی - مائوئیستی در ایران است. ضمن اعلام این مطلب، متذکر می‌شویم که وی پسرعموی دکتر علی صادقی است.